



تحلیل محتوا و کاربردهای آن: با تمرکز بر تحلیل محتوای کیفی

محمود بحرانی^۱ و مسعود کوچانی اصفهانی^۲

۱- عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی فارس

چیکده

این مقاله به اختصار شیوه تحلیل محتوا را به عنوان یک ابزار پژوهشی در شناسایی محتوای ارتباطی معرفی می‌نماید و با توضیح انواع تحلیل محتوای کمی و کیفی و ارائه مثال‌هایی از هر یک، به کاربردهای آنها و همچنین روش‌های بررسی روایی و پایایی ابزار تحلیل محتوا می‌پردازد. هدف اصلی مقاله آشنایی با تحلیل محتوای کیفی و مراحل اجرایی آن در عمل است. در این راستا پارادایم‌های مربوط مورد اشاره قرار گرفته‌اند، سپس روش اجرا و فرایند تحلیل محتوای کیفی طی ۴ مرحله از طرح‌ریزی تا ارائه نتایج بیان شده و مقایسه‌های نیز با نظریه بنیادی صورت گرفته است. کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، تحلیل کیفی، روش تحقیق.

تحلیل محتوا یک روش تحقیق است که برای شناسایی الگوهای موجود در ارتباطات ضبط شده استفاده می‌شود. برای انجام تحلیل محتوا، شما به طور منظم داده‌ها را از مجموعه متونی که می‌توانند به صورت نوشتاری، شفاهی یا بصری استفاده شوند شامل: کتاب، روزنامه و مجله، گفتار و مصاحبه، محتوای وب و پست‌های رسانه‌های اجتماعی، عکس و فیلم، جمع‌آوری می‌کنید. محققان از تحلیل محتوا برای یافتن اهداف، پیام‌ها و تأثیرات محتوای ارتباطات استفاده می‌کنند. آنها همچنین می‌توانند در مورد تولیدکنندگان و مخاطبان متونی که تحلیل می‌کنند استنتاج‌هایی به عمل آورند. از تجزیه و تحلیل محتوا می‌توان برای شمارش فراوانی برخی کلمات، عبارات، موضوعات یا مفاهیم در مجموعه‌ای از متون تاریخی یا معاصر استفاده کرد.

از آنجا که تحلیل محتوا می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از متون کاربرد داشته باشد، در زمینه‌های مختلفی از جمله بازاریابی، مطالعات رسانه‌ای، انسان‌شناسی، علوم شناختی، روانشناسی و بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تحلیل محتوا اهداف مختلفی می‌توان در نظر گرفت: یافتن همبستگی و الگوهای نحوه ارتباط مفاهیم، درک اهداف فرد، گروه یا موسسه، شناسایی تبلیغات و تعصب در ارتباطات، آشکار ساختن تفاوت‌های ارتباطات در زمینه‌های مختلف، تجزیه و تحلیل پیامدهای محتوای ارتباطی مانند جریان اطلاعات یا پاسخ‌های شنیداری. تحلیل محتوا می‌تواند هم کمی (متمرکز بر شمارش و اندازه‌گیری) و هم کیفی (با تمرکز بر تفسیر و استنباط) باشد. در هر دو نوع، شما کلمات، مضامین و مفاهیم متن را مقوله‌بندی یا "کد" می‌کنید و نتایج را تجزیه و تحلیل می‌کنید (لیو^۱، ۲۰۱۹).

مثال‌های تحلیل محتوای

کمی: برای تحقیق در مورد اهمیت موضوع اشتغال در کارزارهای سیاسی، می‌توان سخنرانی‌های انتخاباتی را برای فراوانی واژه‌هایی مانند بی‌کاری، شغل و کار تحلیل کرد و از تجزیه و تحلیل آماری استفاده نمود تا تفاوت در طول زمان یا بین نامزدها را مشخص کرد.

^۱ . Luo



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



علاوه بر این، می‌توانیم از تحلیل محتوا برای ایجاد استنباط کیفی استفاده کنیم تا به تجزیه و تحلیل‌های معانی و روابط معنایی کلمات و مفاهیم بپردازیم.

کیفی: تحلیل محتوای کیفی را مایرینگ^۱ (۲۰۰۰، ص ۵) اینگونه تعریف می‌کند: «رویکردی از تجزیه و تحلیل تجربی، روش‌شناسی تحلیل کنترل شده متون در درون زمینه ارتباطی آنها، که قواعد تحلیل محتوا و مدل‌ها را قدم به قدم دنبال می‌کند، بدون اینکه یکسره به کمی‌سازی بپردازد». بطور مثال برای دستیابی به درک کیفی‌تری از موضوعات اشتغال در کارزارهای سیاسی، می‌توان کلمه بیکاری را در گفتارها قرار داده، و مشخص نمود چه کلمات یا اصطلاحات دیگری در کنار آن ظاهر می‌شوند (مانند اقتصاد، نابرابری یا تنبلی)، و معانی این روابط را مورد تحلیل قرار داد تا شناخت بهتری از مقاصد و اهداف کمپین‌های مختلف بدست آورد.

تاریخچه و رویکردهای استقرائی و قیاسی

گرانهمیم و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان چالش‌های روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی به نقل از برلسون (۱۹۵۲) می‌گویند: «اولین توصیفات تحلیل محتوا به طور انحصاری برای یک رویکرد کمی تهیه شده است و بنابراین مربوط به یک الگوی مثبت‌گرایانه است. آنها می‌افزایند: توصیفات بعدی نشان می‌دهد که تحلیل محتوا دستخوش تغییرات گسترده‌ای از «یک بازی شمارش» به رویکردی تفسیری‌تر در پارادایم کیفی گردیده است (اسکریر^۳، ۲۰۱۲؛ ایبرگ-تیمی^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ لیگرن^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). این پارادایم یک فرایند مبتنی بر ارزش است که با واقعیت‌های متعدد مانند ایجاد تقابل دوجانبه در داده‌ها، و توسعه فردی و ادراکات چندجانبه از پدیده‌ها مشخص می‌شود، (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). تحلیل محتوای کیفی روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است. تمرکز آن بر موضوع و زمینه است و بر تنوع تأکید می‌ورزد، همانند شباهت‌های درونی و تفاوت بین بخش‌های مختلف متن. این روش فرصت‌هایی برای تحلیل محتوای آشکار و توصیفی و نیز محتوای مکنون و تفسیری متن فراهم می‌سازد (گراندهیم و لوندمن^۶، ۲۰۰۴)».

گرانهمیم و همکاران (۲۰۱۷) تحلیل محتوای کیفی را به صورت معلق بین یک پارادایم توصیفی و تفسیری قرار داده‌اند. آنها مدلی دو بعدی را مانند شکل (۱) برای توصیف خود طرح کرده‌اند که یک بعد آن از رویکرد بسته و سطح تحلیل عینی در پایین تا رویکرد باز و سطح تحلیل انتزاعی در بالا، گسترده شده، و بعد دیگر آن بین دو گروه توصیف‌های پدیدارشناختی در سمت چپ تصویر تا تعبیر تفسیری (هرمنوتیک) در سمت راست تصویر در نوسان است. در این میان تحلیل محتوای آشکار در محدوده پایین چپ و تحلیل محتوای مکنون در محدوده بالای راست تصویر قرار می‌گیرد.

^۱ . Mayring

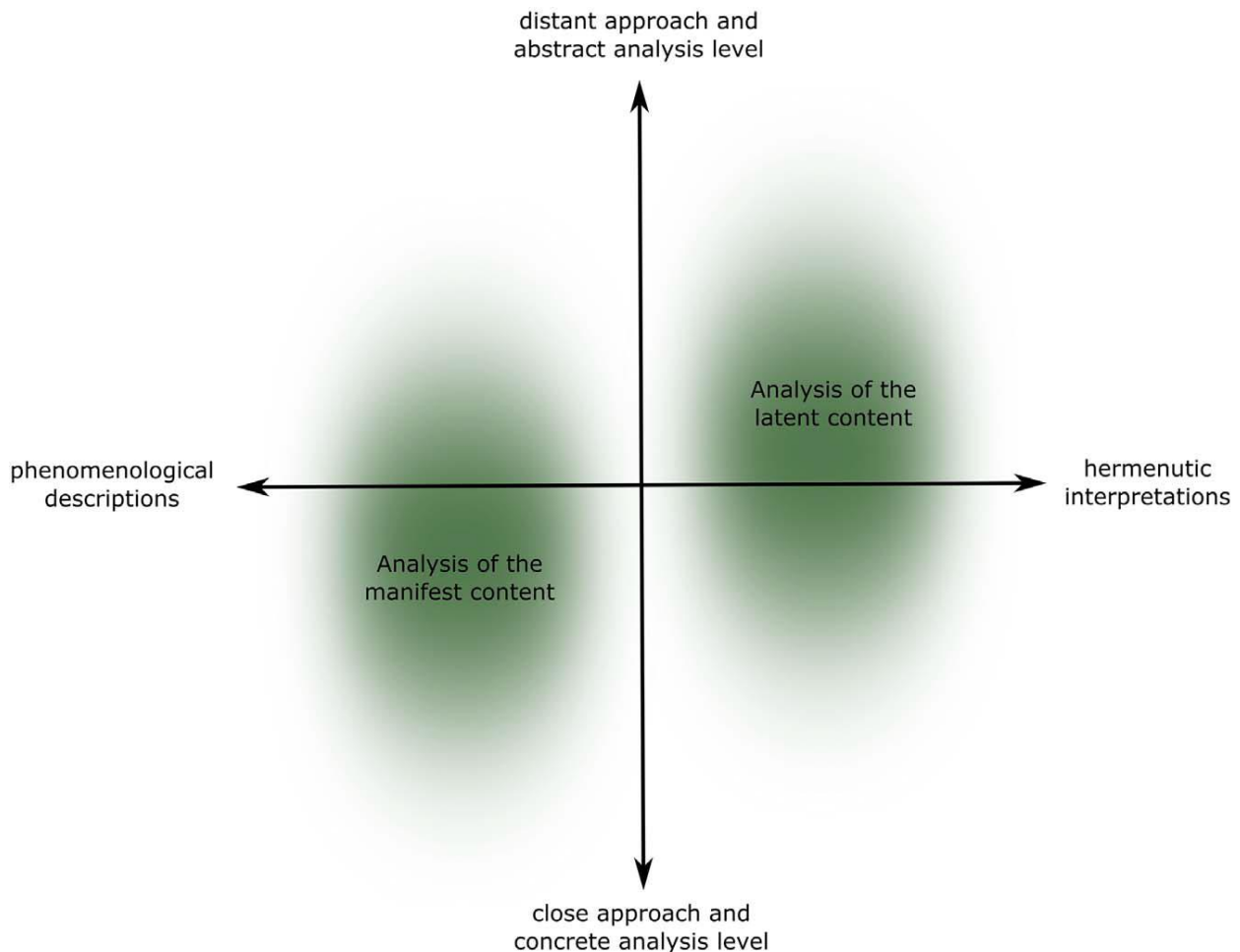
^۲ . Graneheim, , Lindgren & Lundman

^۳ . Schreier

^۴ . Egberg-Thyme

^۵ . Lindgren

^۶ . Graneheim and Lundman



شکل (۱) مدل دو بعدی تحلیل محتوای گرین‌هایم و همکاران

Graneheim, U. H., Lindgren, Britt-Marie & Lundman, B. (۲۰۱۷). Methodological challenges in qualitative content analysis: A discussion paper. *Nurse Education Today*, ۵۶, ۲۹-۳۴.

چنانکه بنگتسون (۲۰۱۶) بیان داشته است، زمینه شروع اعتبار با شروع برنامه‌ریزی مطالعه آغاز می‌شود. باید منابع خارجی و داخلی شنا سایی شود و محقق باید تجربه خود را از این پدیده مورد مطالعه قرار دهد تا از هرگونه تعصب در تأثیر خود پرهیز کند. هدف از تحلیل محتوا، سازماندهی و استخراج معنی از داده‌های جمع‌آوری شده و نتیجه‌گیری واقع‌بینانه از آن است. محقق باید انتخاب کند که آیا تجزیه و تحلیل باید از یک ساختار سطحی گسترده (یک تحلیل آشکار) باشد یا یک ساختار عمیق (یک تحلیل نهفته) باشد. چهار مرحله مشخص اصلی عبارتند از: تفکیک اجزای متن، باز تعریف متن، مقوله‌بندی و تلفیق. این توصیف از تحلیل محتوای کیفی رویکردی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از اصول کلی روش استفاده کرد.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد تحلیل محتوای کیفی، انعطاف‌پذیری استفاده از رویکردهای استقرایی یا قیاسی یا ترکیبی از هر دو روش در تحلیل داده‌ها است که بسته به هدف شخص از مطالعه دارد. ویژگی دوم توانایی استخراج معنی آشکار و پنهان از محتوا است. تفاوت کلیدی بین دو رویکرد در نحوه تدوین کدها یا مقوله‌بندی‌های اولیه است. وقتی دانش قبلی درباره پدیده مورد مطالعه محدود یا ناقص باشد، یک رویکرد استقرایی مناسب است (الو و کینگاس^۱، ۲۰۰۸). در

^۱ . Elo & Kyngäs



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



رویکرد استقرایی، کدها، مقوله‌ها یا مضامین مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌شوند، در حالی که رویکرد قیاسی با کدها یا مقوله‌های برگرفته از نظریه، پژوهش یا ادبیات پیشین آغاز می‌گردد (کاوانگ^۱، ۱۹۹۷؛ کندراکی و همکاران^۲، ۲۰۰۲). رویکرد قیاسی زمانی مناسب است که هدف از مطالعه، آزمایش تئوری موجود یا تجدید آزمایش داده‌های موجود در یک زمینه تازه باشد.

دوم اینکه، کدگذاری در تحلیل محتوای کیفی می‌تواند به محتوای آشکار و یا نهان ارتباطات اختصاص یابد. در حالی که محتوای آشکار به معنای این است که محقق محتوای مرئی و سطحی متن را رمزگردانی می‌کند، محتوای نهان بدان معنی است که محقق معنای نهفته در بطن متن را رمزگذاری می‌کند (گرانهم و لوندمن، ۲۰۰۴). بنابراین، تحلیل محتوا روشی است که برای هر دو نوع داده‌های کیفی و کمی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ علاوه بر این، ممکن است به روش استقرایی یا قیاسی به کار رود. هدف از مطالعه تعیین می‌کند که کدام یک از این موارد استفاده شود (الو و کینگاس، ۲۰۰۸). اگر دانش قبلی کافی در مورد پدیده وجود نداشته باشد یا اگر این دانش پراکنده باشد، رویکرد استقرا توصیه می‌شود (لوری و کینگاس^۳، ۲۰۰۵). در تحلیل محتوای استقرایی مقوله‌ها از داده‌ها بیرون کشیده می‌شوند. از تحلیل قیاسی زمانی استفاده می‌شود که ساختار تحلیل بر اساس دانش قبلی عملیاتی شده باشد و هدف مطالعه تئوری آزمایشی باشد (Kynga's & Vanhanen، ۱۹۹۹). رویکرد مبتنی بر داده‌های استقرایی از جزء به کل پیش می‌رود، به طوری که موارد خاص مشاهده می‌شوند و سپس در یک کلیت بزرگتر یا عبارت کلی ترکیب می‌شوند (Chinn & Burns، ۱۹۹۹). رویکرد قیاسی براساس یک نظریه یا مدل قبلی بنا می‌شود و بنابر این از کل به جزء حرکت می‌کند (Grove، ۲۰۰۵). این رویکردها دارای مراحل آماده‌سازی مشابهی هستند.

فرایند و روش اجرای تحلیل محتوا

هنگام استفاده از تحلیل محتوا، هدف ساختن یک مدل برای توصیف پدیده به صورت مفهومی بود. هر دو فرآیند تحلیل استقرایی و قیاسی به صورت سه مرحله اصلی ارائه می‌شوند: آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش‌دهی. مرحله آماده‌سازی در هر دو روش یکسان است. مفاهیم در تحلیل محتوای استقرایی از داده‌ها استخراج می‌شوند. تحلیل محتوای قیاسی وقتی به کار می‌رود که ساختار تجزیه و تحلیل بر اساس دانش قبلی عملیاتی شود. با وجود این، هیچ قانون سیستماتیک برای تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود ندارد. ویژگی اصلی همه شیوه‌های تحلیل محتوا این است که بسیاری از کلمات متن در دسته‌هایی از مطالب بسیار کوچکتر مقوله‌بندی می‌شوند (وبر، ۱۹۹۰، بورنارد، ۱۹۹۶).

لیو (۲۰۱۹) معتقد است برای استفاده از تحلیل محتوا در تحقیقات، باید با یک سوال تحقیق روشن و مستقیم شروع کنید. یک نمونه سوال تحقیق برای تحلیل محتوا عبارت است از: آیا تفاوتی در نحوه ارائه رسانه‌های آمریکایی از نظر اعتماد به سیاستمداران زن و مرد وجود دارد؟

سپس، شما این پنج مرحله را دنبال می‌کنید:

۱. محتوا را انتخاب خواهید کرد.

بر اساس سؤال تحقیق خود، متونی را که تحلیل خواهید کرد انتخاب می‌کنید. شما باید در این موارد تصمیم بگیرید: رسانه (به عنوان مثال روزنامه‌ها، گفتگوها یا وبسایت‌ها) و ژانر (مثل بخش نقطه نظرات، سخنان مبارزات انتخاباتی سیاسی یا نسخه بازاریابی) معیارهای ورود به مطالعه (به عنوان مثال مقالات روزنامه‌ای مرتبط با یک رویداد خاص، سخنان یک سیاستمدار خاص یا وبسایت‌هایی که محصول خاصی را می‌فروشند).

^۱ . Cavanagh

^۲ . Kondracki, Wellman, & Amundson

^۳ . Lauri & Kyngäs



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



پارامترها از نظر دامنه زمانی، موقعیت و غیره.

اگر فقط تعداد کمی متن وجود دارد که معیارهای شما را برآورده می‌کند، می‌توانید همه آنها را تحلیل کنید. اگر حجم زیادی از متن وجود دارد، می‌توانید یک نمونه را انتخاب کنید. برای تحقیق در مورد بازنمایی‌های رسانه‌ای سیاستمداران زن و مرد، تصمیم می‌گیرید مقالات خبری و بخش نظرات را در روزنامه‌های چاپی بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ تحلیل کنید. از آنجا که این حجم بسیار گسترده‌ای از مطالب است، شما سه روزنامه بزرگ ملی را انتخاب می‌کنید و فقط نسخه‌های دوشنبه و جمعه را نمونه‌گیری می‌کنید.

۲. واحدها و مقوله‌بندی‌های تجزیه و تحلیل را تعریف کنید.

سپس، شما باید سطح ارزیابی متون انتخابی خود را تعیین کنید. این به معنای تعریف کردن موارد زیر است: واحد(های) معنایی که کدگذاری می‌شود. به عنوان مثال چه چیزهایی را می‌خواهید ثبت کنید، فراوانی کلمات و اصطلاحات فردی، خصوصیات افرادی که در متون بوجود می‌آیند یا ظاهر می‌شوند، حضور و قرارگیری تصاویر یا رفتار با موضوع‌ها و مفاهیم؟

مجموعه مقوله‌هایی که برای کدگذاری از آنها استفاده خواهید کرد. مقوله‌بندی‌ها می‌توانند خصوصیات عینی باشند (به عنوان مثال زن، ۴۰ تا ۵۰ ساله، وکیل، مادر) یا مفهومی‌تر مثلاً قابل اعتماد، فاسد، محافظه‌کار، خانواده محور). واحد تحلیل شما سیاستمدارانی هستند که در هر مقاله ظاهر می‌شوند و کلمات و عباراتی که برای توصیف آنها استفاده می‌شود. بر اساس سؤال تحقیق خود، شما باید بر اساس جنسیت و مفهوم قابلیت اعتماد مقوله‌بندی کنید. برای به دست آوردن اطلاعات دقیق‌تر، شما همچنین دسته‌بندی‌های دیگری مانند سن، حزب سیاسی و وضعیت تأهل هر سیاستمداری را که ذکر شد کدگذاری می‌کنید.

۳. مجموعه‌ای از قوانین برای کدگذاری تهیه کنید.

کدگذاری شامل سازماندهی واحدهای معنا در مقوله‌های از قبل تعریف شده است. به خصوص در مورد مقولات مفهومی بیشتر، مهم است که قواعد مربوط به آنچه را که شامل خواهد شد و شامل نمی‌شود، مشخص کنید تا اطمینان حاصل شود که تمام متن‌ها به طور یکسان کدگذاری شده‌اند.

قوانین کدگذاری به ویژه در صورت دخیل بودن چندین پژوهشگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما حتی اگر تمام متن را هم خودتان کدگذاری می‌کنید، ثبت قواعد باعث می‌شود روش شما بیشتر شفاف و قابل اعتماد شود. اگر مقوله "سیاستمدار زن"، مد نظر باشد شما تصمیم می‌گیرید که کدام عناوین در این دسته کدگذاری می‌شوند (سناتور، فرماندار، مشاور، شهردار). در مورد مقوله "قابل اعتماد"، شما تصمیم می‌گیرید که کلمات یا عبارات خاص مربوط به قابلیت اعتماد (به عنوان مثال صادق و قابل اطمینان) در این دسته کدگذاری شوند.

۴- متن را طبق قواعد کدگذاری کنید.

شما هر متن را مرور می‌کنید و کلیه داده‌های مرتبط را در دسته‌های مناسب ثبت می‌کنید. این کار به طور دستی یا به کمک برنامه‌های رایانه‌ای (مانند QSR NVivo، Atlas.ti و Diction) انجام می‌شود، که می‌تواند به سرعت بخشیدن به روند شمارش و طبقه‌بندی کلمات و عبارات کمک کند. با رعایت قواعد کدگذاری، هر مقاله روزنامه را در نمونه خود بررسی می‌کنید. شما مشخصات هر سیاستمداری را که ذکر کردید، به همراه تمام کلمات و عبارات مربوط به قابلیت اعتماد بودن که برای توصیف آنها استفاده می‌شود، ثبت می‌کنید.

۵- نتایج را تحلیل کرده و نتیجه‌گیری کنید.

با پایان یافتن کدگذاری، داده‌های جمع‌آوری شده برای یافتن الگوها و نتیجه‌گیری در پاسخ به سؤال تحقیق شما مورد بررسی قرار می‌گیرند. شما می‌توانید از تجزیه و تحلیل آماری برای پیدا کردن همبستگی یا روند استفاده کنید، تفسیرهای خود از نتایج را مورد بحث قرار دهید و استنتاج‌هایی در مورد سازندگان، متن و مخاطبان متن‌ها صورت دهید. نتایج آشکار



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران

می سازد که کلمات و عبارات مربوط به قابلیت اعتماد در یک جمله از یک سیاستمدار مرد بیشتر از آنچه در جمله مشابهی از یک سیاستمدار زن اظهار شده است. از این نتایج در می یابید که روزنامه های ملی سیاستمداران مرد را به عنوان قابل اعتمادتر از سیاستمداران زن معرفی می کنند و نتیجه می گیرید که این ممکن است روی برداشت خوانندگان از زنان در سیاست تأثیر بگذارد.^۱

در توضیح مرحله کدگذاری گاهی از دو نوع نظام کدگذاری داده محور و تئوری محور نام برده می شود. در رویکرد داده محور، مقوله ها (کدها) بر اساس یک تحلیل دقیق از جزئیات داده ها صورت می گیرد. این شیوه بخصوص برای مواردی مناسب است که دانش کمی در باره عناوین و مضامینی که از پاسخها بر می آیند وجود دارد یا وقتی که هدف کنکاش عمیق در داده ها باشد. در رویکرد تئوری محور، مقوله ها (کدها) انتخابی از قبل بوسیله یک نظریه موجود تعیین می شوند. بنابراین در این رویکرد حتما لازم نیست برای انتخاب مقوله ها در داده ها کنکاش کرد. این رویکرد برای آزمون نظریه یا جایی که برای مضامین مورد تحلیل در پاسخها دانش و سازمان مفهومی وجود دارد مناسب است. در هر دو حالت در پایان یک فهرست یا نظام کدگذاری بدست می آید که همه مقوله های مرتبط را شناسایی می کند، در هر مقوله تعریف های روشن و نمونه های عینی از داده ها ارائه می شود که نحوه کدگذاری را نشان می دهد.

برای تحلیل نیز دو شکل کلی وجود دارد: تحلیل مفهومی و تحلیل رابطه ای. تحلیل مفهومی وجود و فراوانی مفاهیم را در یک متن مشخص می کند. وقتی از تحلیل محتوا نام برده می شود عموماً برای افراد تحلیل مفهومی تداعی می شود. در این نوع تحلیل یک مفهوم برای بررسی انتخاب می شود و تحلیل شامل کمی سازی و شمردن وفور آن است. این عبارات ممکن است آشکار یا پنهان باشند. عبارات آشکار برای کدگذاری آسان هستند اما عبارات ضمنی و پنهان دشوارتر هستند. تحلیل رابطه ای با بررسی روابط بین مفاهیم در یک متن، تحلیل مفهومی را توسعه می بخشد. در تحلیل رابطه ای پس از بررسی مفاهیم به روابط بین آنها توجه می شود و تنها به شمارش مفاهیم منفرد اکتفا نمی شود. هر یک از این تحلیل ها ممکن است به یافته ها، نتیجه گیری، تفسیرها و معانی مختلفی منجر شود.

روایی و پایایی

روایی

سه معیار اعتبار یک تحلیل محتوا را در بر دارند:

شبیه بودن مقوله بندی ها: این امر می تواند با استفاده از چند مجری مقوله بندی برای رسیدن به تعریف مورد توافق از هر مقوله خاص بدست آید. با استفاده از چند مجری، یک مقوله مفهومی که ممکن است متغیر صریح باشد، می تواند گسترده شود تا مترادف یا متغیرهای ضمنی را در برگیرد.

نتیجه گیری: چه میزان غیر صریح بودن مجاز است؟ آیا نتیجه گیری به درستی از داده ها پیروی می کند؟ آیا نتایج بوسیله پدیده های دیگر قابل توضیح است؟ این مسئله به ویژه هنگام استفاده از نرم افزار رایانه ای برای تجزیه و تحلیل و تمایز بین مترادفها مشکل ساز می شود. به عنوان مثال، کلمه انگلیسی "mine"، معانی مختلف ضمیر شخصی، و سیله انفجاری و حفره عمیق در زمین که از آن سنگ استخراج می شود را بیان می کند. نرم افزار می تواند تعداد دقیقی از وقوع و فراوانی آن کلمه را بدست آورد، اما نمی تواند یک برآورد دقیق از معنای ذاتی در هر یک از کاربردهای خاص داشته باشد. این مشکل می تواند نتایج را به هدر دهد و نتیجه گیری را نامعتبر کند.

تعمیم پذیری نتایج به یک تئوری: بسته به تعاریف واضح از مقولات مفهوم، چگونگی تعیین و روایی آنها در سنجش ایده ای که در پی سنجش آن هستیم دارد. قابلیت تعمیم در راستای پایایی است، میزان آن وابسته به پایایی طبق سه معیار یاد شده است.

^۱ . <https://www.scribbr.com/methodology/content-analysis>



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



همچنین گوبا و لینکون (۱۹۹۴، به نقل از طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۲) چهار معیار برای بررسی دقت علمی تحقیقات کیفی ارائه کرده اند که عبارتند از اعتبار^۱، انتقال پذیری^۲، اطمینان پذیری^۳، و تأییدپذیری^۴. در بررسی اعتبار یا معتبر بودن از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود، مانند: درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم، بازیابی بوسیله همکار، بازیابی بوسیله مشارکت کنندگان و مثلث‌سازی (که به معنای ترکیب و تلفیق رویکردهای مختلف برای افزایش اعتبار اطلاعات است)، جستجو برای شواهد مغایر، و اعتبار پژوهشگر. انتقال پذیری همان معنای تعمیم پذیری در مطالعات کمی را دارد؛ در اینجا احتمال اینکه داده‌های مطالعه در وضعیت مشابه برای دیگران معنایی مشابه داشته باشند را می‌رساند. در این باره اقداماتی مانند ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت کنندگان و خصوصیات محیط برای تناسب داده‌ها با محیط پیشنهاد می‌شود. قضاوت این کار به عهده خوانندگان است. اطمینان‌پذیری (اعتماد) شبیه به مفهوم پایایی از نوع همسانی درونی و آزمون مجدد در رویکردهای کمی است، و به پایدار و ناپایدار بودن الگوی داده‌ها در زمان و مکان دیگر اشاره دارد. قابلیت تأیید مانند فرایند حسابرسی مالی است و هدف آن تشریح واضح مدارک و فرایند فکری است که به یک نتیجه‌گیری منجر شده است.

پایایی

بدلیل ماهیت انسانی پژوهشگران، خطاهای کدگذاری هیچگاه از بین نمی‌روند بلکه فقط به حداقل می‌رسند. به طور کلی، حاشیه قابل قبول برای پایایی ۸۰٪ است. سه معیار پایایی یک تحلیل محتوا را تضمین می‌کند: پایداری: گرایش کدگذاران به دوباره داده‌های مشابه به همان روش در طی یک دوره زمانی. تکرارپذیری: گرایش یک گروه کدگذار به طبقه‌بندی اجزای مقوله‌ها به روش یکسان. دقت: میزانی که طبقه‌بندی متن با یک استاندارد یا هنجار از نظر آماری مطابقت دارد.

فرایند تحلیل محتوای کیفی

بنگستون فرایند تحلیل محتوای کیفی را از طرح‌ریزی تا ارائه نتایج به شرح شکل (۲) بیان نموده است. بر این اساس طرح‌ریزی تحلیل محتوا در چارچوب هدف تحقیق و با توجه به حد و مرزهای هدف صورت می‌گیرد. در تحلیل محتوای کیفی معمول است که داده‌ها از ۱ تا ۳۰ نفر افراد آگاه جمع‌آوری می‌شود (Fridlund and Hildingh, ۲۰۰۰). به نقل از بنگستون، (۲۰۱۶). اما اندازه نمونه براساس نیازهای اطلاعاتی برای رسیدن به جواب با اطمینان کافی بستگی دارد و از قبل هیچ ملاک و معیاری برای آن تعیین نمی‌شود. برای تحلیل داده‌ها در روش‌های کمی از شمارش و فراوانی‌های مقوله‌ها به صورت ساده یا درصدی استفاده می‌شود. در تحلیل کیفی داده‌ها به شکل کلمات یا عبارات ارائه می‌گردد، که امکان بیرون کشیدن تفسیرهایی از نتایج را فراهم می‌سازد. انتخاب شیوه تحلیل بسته به عمق تحلیل مورد نظر محقق در باره موضوع است. در تحلیل آشکار محقق آنچه که اطلاعات بطور واقعی می‌گویند را توصیف می‌کند، پیوند نزدیکی با متن دارد و عین کلمات را به کار می‌گیرد، و قابلیت مشاهده و آشکار بودن آنها را در متن توضیح می‌دهد. اما تحلیل مکنون به یک سطح تفسیری بسط می‌یابد که محقق به جستجوی پیدا کردن معنای زیرین متن می‌پردازد که متن در باره چه چیز صحبت می‌کند. ملاحظات لازم در باره خصوصی ماندن اطلاعات مصاحبه شونده‌گان و داوطلبانه بودن همکاری آنان در پژوهش باید از قبل صورت گیرد و از پیش با آنها هماهنگی شود.

داده‌های گردآوری شده چه به شکل کلامی و چه غیر کلامی معمولاً به شکل نوشتار در می‌آیند که بهتر مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. در تحلیل داده‌ها چهار مرحله اصلی وجود دارد: واکاوی متن، بازسازی، مقوله‌بندی و تلفیق. فرقی

^۱ . credibility

^۲ . transferability

^۳ . consistency or dependability

^۴ . confirmability



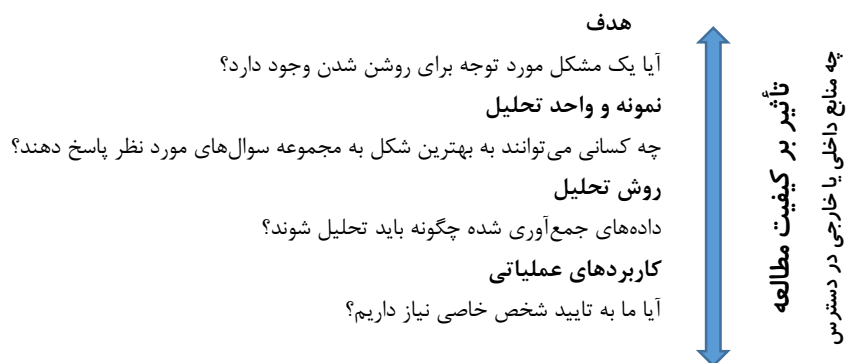
هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران

بین تحلیل آشکار و تحلیل مکنون از لحاظ مراحل نیست. برای اطمینان از کیفیت کار لازم است جدولی برای ثبت اطلاعات طی این فرایند طرح شود و از مرحله داده‌های خام تا نتایج در آن ثبت شود. اجزای این جدول شامل واحد معنایی تحلیل که بخشی از متن خام است، سپس فشرده واحد معنایی که خلاصه شده بخش قبل است، و بعد کدگذاری، مقوله‌های فرعی و مقوله اصلی و در انتها موضوع را در بر می‌گیرد. واحد معنایی کوچک ترین واحدی است که در بردارنده بخشی از بینش‌های مورد نیاز محقق است. واکاوی متن توسط محقق به این معنا است که ضمن مطالعه متن نوشتاری، داده‌ها را برای خود آشنا می‌سازد و احساس کلی از آنچه که رویداده است پیدا می‌کند. این کار باید قبل از تجزیه متن به واحدهای معنایی صورت گیرد.

تضمین روایی در تحلیل کیفی به معنای این است که عواملی مانند سوگیری‌های محقق، خستگی یا خطاهای تفسیری کنترل شود که نتایج بدرستی بازتاب پدیده مورد مطالعه باشند. پایایی نیز به معنای بدست آوردن نتایج یکسان در صورت تکرار پژوهش است. برای پیشبرد روایی لازم است دست کم دو نفر تحلیل را بطور جداگانه انجام و نتایج را مورد بحث قرار دهند و به توافق برسند (برنارد، ۱۹۹۱، گرینهایم و لاندمن، ۲۰۰۴).

در مرحله بازسازی متن، محقق پس از شناسایی واحدهای معنایی بررسی می‌کند که آیا همه جنبه‌های محتوا در رابطه با هدف تحت پوشش قرار گرفته‌اند. در طی فهرست برداری واحدهای معنایی، دوباره متن اصلی بازخوانی می‌شود. بهتر است واحدها در متن با رنگ برجسته شوند. آنگاه اگر در بقیه متن مطلب مرتبطی وجود نداشته باشد کنار گذاشته و حذف می‌شوند.

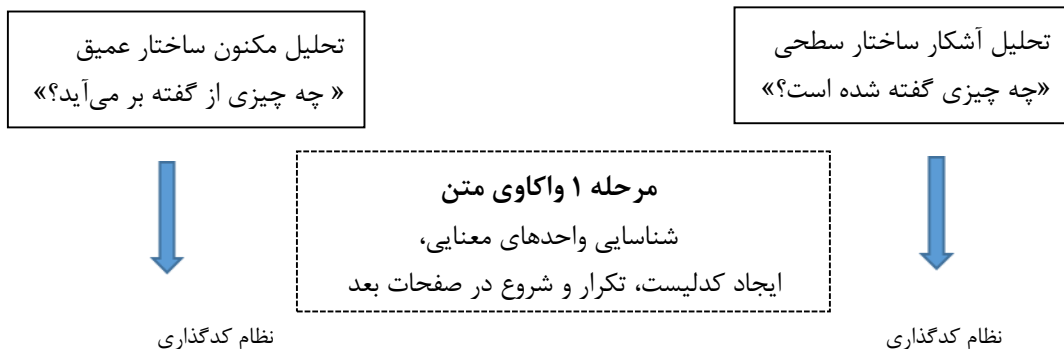
طرح ریزی



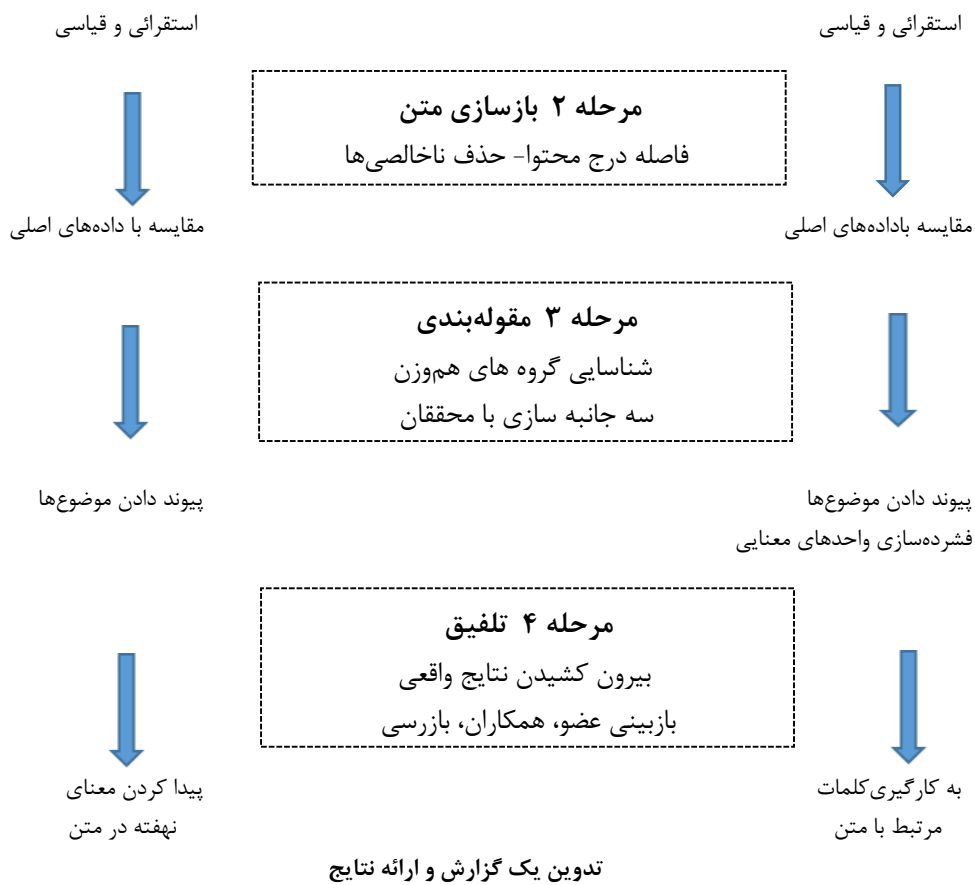
جمع‌آوری داده‌ها

بوسیله پرسش‌های شفاهی، یا مشاهدات و تبدیل داده‌های جمع‌آوری شده به متن نوشتاری

تحلیل داده‌ها



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



شکل (۲) فرایند تحلیل محتوای کیفی بنگستون از طرح‌ریزی تا ارائه نتایج

پیش از شروع به تدوین مقوله‌ها باید مقوله‌های پر دامنه خلاصه شوند بدون اینکه محتوا از دست برود. این کار باعث می‌شود حجم عبارات کمتر شود. عمق واحدها تعیین کننده سطح انجام تحلیل است. فشرده‌سازی در حالت استفاده از ابزار مصاحبه و تحلیل محتوای مکنون بیشتر لازم است. در فرایند مقوله‌بندی با تعیین حیطه‌های محتوایی مورد نظر، موضوع‌ها و مقوله‌ها استخراج می‌شوند و مقوله‌های فرعی که در تحلیل محتوای کیفی گاهی به عنوان «مضامین فرعی^۱» از آنها نام برده می‌شود شناسایی می‌شوند. مقوله‌ها و مضامین باید در درون خود همگون و با یکدیگر ناهمگون باشند که هیچ داده‌ای بین مقوله‌ها قرار نگیرد. مضمون مفهومی کلی از یک معنای زیربنایی در یک تفسیر مکنون است و به سوال «چگونگی؟» پاسخ می‌دهد.

با تعیین مقوله‌ها، فرایند تحلیل و نوشتن آغاز می‌شود. تفاوت شیوه‌های مختلف تحلیل وابسته به چگونگی ارتباط محقق با فرایند تحلیل و تطبیق با نتایج است. محقق در مطالعات پدیدارشناختی و هرمنوتیک روی این موضوع تمرکز می‌کند که پاسخگو چگونه پدیده را تجربه می‌کند و تجارب را به خودآگاه تبدیل می‌کند. محقق سپس تلاش می‌کند تا اساس پدیده مورد مطالعه را دریابد. تحلیل ممکن است تحلیل آشکار یا مکنون باشد، عمق تحلیل وابسته به نحوه جمع‌آوری داده‌هاست. در تحلیل آشکار محقق روی مقوله کار می‌کند و در تحلیل مکنون روی مضمون‌ها. در تحلیل آشکار عین کلمات و عبارات مورد استناد قرار می‌گیرد، اما در تحلیل مکنون محقق سعی در درک معانی پوشیده در متن دارد. محقق باید جدول کوتاهی از مقوله‌ها یا مضامین و نیز مقوله‌های فرعی یا مضامین فرعی برای خوانندگان ارائه کند.

^۱ . Sub-themes



هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران



برای روایی نتایج محقق می‌تواند از روایی پاسخگو استفاده کند یعنی نتایج را به پاسخگو ارائه کند و توافق او را بدست آورد.

آسارودی و همکاران (۲۰۱۸) ضمن بررسی دیدگاه‌های موجود پیرامون تحلیل داده‌های کیفی یک فرایند ۱۶ مرحله‌ای را برای رویکرد هدایت شده ارائه نمودند که سه بخش آماده سازی، سازمان‌دهی و گزارش را در بر می‌گیرد. در بخش آماده‌سازی، مراحل: ۱- فراگیری مهارت‌های عمومی مانند تفکر خود-انتقادی، توانایی‌های تحلیل، و نگارش علمی؛ ۲- انتخاب شیوه مناسب نمونه‌گیری؛ ۳- تصمیم‌گیری در باره انجام تحلیل آشکار و یا مکنون؛ ۴- طرح دستورالعمل صاحب‌ها؛ ۵- اجرا و پیاده کردن م صاحب‌ها؛ ۶- تعیین واحدهای تحلیل؛ ۷- غوطه‌ور شدن در داده‌ها؛ و در بخش سازمان‌دهی: ۱- طرح یک ماتریس مقاله‌بندی از مقولات اصلی و فرعی؛ ۲- تعریف نظری مقولات اصلی و فرعی؛ ۳- تعیین قواعد کدگذاری برای مقوله‌های اصلی؛ ۴- آزمایش اولیه ماتریس مقوله‌بندی؛ ۵- انتخاب و مشخص کردن نمونه‌های خاص برای هر مقوله اصلی؛ ۶- انجام تحلیل داده‌های اصلی؛ ۷- انتزاع استقرایی مقوله‌های اصلی از کدهای اولیه؛ ۸- پیوند دادن مقوله‌های عمومی و اصلی. و در بخش گزارش: همه مراحل و یافته‌ها گزارش می‌شوند.

مقایسه تحلیل محتوای کیفی و نظریه زمینه‌ای^۱

نظریه زمینه‌ای و تحلیل محتوای کیفی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. هر دو مبتنی بر تحقیق طبیعت‌گرایانه هستند که مستلزم شناسایی مضامین و الگوهایی است و شامل رمزگذاری دقیق است. هر دو برای تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی به کار برده می‌شوند. نظریه زمینه‌ای به عنوان یک روش تحقیق به حساب می‌آید و تحلیل محتوای کیفی یک روش است (کروتی^۲، ۲۰۰۳؛ به نقل از چو و لی^۳، ۲۰۱۴). نظریه زمینه‌ای به عنوان یک چارچوب نظری مد نظر قرار گرفته ولی تحلیل محتوای کیفی یک روش و شیوه یا راهکار تحلیل متن داده‌ها محسوب می‌شود.

چنانکه چو و لی (۲۰۱۴) نقل کرده‌اند، اصطلاح نظریه زمینه‌ای در کتاب کشف نظریه زمینه‌ای (۱۹۶۷) بوسیله گلاسر و استروس به عنوان کشف نظریه از روی داده‌ها و تحلیل نظام‌مند تحقیقات اجتماعی معرفی شد. آنها به جای تأیید نظریه‌ها، یک روش تحقیق را برای رسیدن به یک "نظری متناسب با کاربردهای فرضی آن" بر خلاف "نظریه حاصل از استقراء منطقی از فرضیات پیشین" معرفی کردند. طبق گفته‌های استروس و کوربین (۱۹۹۴) این "یک روش کلی، روشی برای تفکر و مفهوم سازی داده‌ها" است (ص ۲۷۵). بر اساس همین نقل، نظریه زمینه‌ای یک روش استقرایی است. گرچه بسیاری آن را روش کیفی می‌خوانند، اینطور نیست. یک روش عمومی است. تولید نظام‌مند نظریه از تحقیق نظام‌مند است. نظریه‌زمینه‌ای می‌تواند برای داده‌های کمی یا کیفی به کار برده شود.

بر اساس تعریف اولیه براسون (۱۹۵۲، ص ۱۸) شیوه تحلیل محتوا در ابتدا به عنوان یک شیوه کمی آغاز شده است: "یک شیوه تحقیق برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی محتوای آشکار ارتباطات". اما رویکرد کمی در تحلیل محتوا مورد انتقاد واقع شد چون اغلب معنا را در اثر شکستن متن به واحدهای قابل شمارش، ساده و مخدوش می‌سازد. این موضوع باعث توسعه رویکرد کیفی گردید. تحلیل محتوای کیفی به عنوان "روشی برای تفسیر ذهنی از محتوای متن داده‌ها از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدگذاری و شناسایی موضوع‌های اصلی یا الگوها" شناخته می‌شود.

نظریه بنیادی دو ویژگی منحصر به فرد دارد: تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم و نمونه‌گیری نظری. تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم مستلزم یک روند تکرار شونده جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل همزمان داده‌ها است، که شامل "انتخاب سیستماتیک و مطالعه چندین گروه مقایسه" است (گلاسر و استروس، ۱۹۶۷، ص ۹). محقق منتظر نمی‌ماند تا داده‌ها به طور کامل جمع‌آوری شود تا شروع به تجزیه و تحلیل داده‌ها نماید. در عوض، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل به طور

^۱. grounded theory

^۲. crotty

^۳. cho & lee



همزمان اتفاق می افتد به طوری که داده‌های تحلیل شده جمع‌آوری داده‌های بعدی را راهنمایی می‌کنند. در طی فرآیند تحلیل داده‌ها، یک پدیده باید با پدیده‌های دیگر مورد مقایسه و مقابله قرار گیرد (کوربین و استروس^۱، ۱۹۹۰).

مزیت‌ها و کاستی‌های استفاده از تحلیل محتوا

از جمله مزیت‌های کاربرد شیوه تحلیل محتوا عبارتند از: الف) جمع‌آوری داده‌ها بدون سوگیری: شما می‌توانید ارتباطات و تعامل اجتماعی را بدون دخالت مستقیم شرکت‌کنندگان تجزیه و تحلیل کنید، بنابراین حضور شما به عنوان یک محقق بر نتایج تأثیر نمی‌گذارد. ب) شفافیت و تکرارپذیری: تجزیه و تحلیل محتوا وقتی درست انجام شود، از یک رویه سیستماتیک پیروی می‌کند که توسط محققان دیگر به راحتی قابل تکرار است و نتایج از اطمینان بالایی برخوردارند. ج) انعطاف‌پذیری زیاد: شما می‌توانید تجزیه و تحلیل محتوا را در هر زمان و هر مکان و با هزینه کم انجام دهید - تنها آنچه شما نیاز دارید دسترسی به منابع مناسب است.

در کنار این مزایا، کاربرد شیوه تحلیل محتوا کاستی‌هایی نیز دارد از جمله: الف) فروگاهی: تمرکز روی کلمات یا اصطلاحات در انزوا، گاهی اوقات ممکن است بیش از حد فروکاهنده، و موجب بی‌توجهی به متن و تفاوت‌های ظریف و معانی مبهم شود. ب) غیرعینی: تحلیل محتوا تقریباً همیشه شامل برخی از تفسیرهای ذهنی است که می‌تواند بر روایی و اعتبار نتایج و نتیجه‌گیری‌ها تأثیر بگذارد. ج) فشار زمانی: کدگذاری دستی یک متن با حجم زیاد، بسیار وقت‌گیر است، اتوماسیون کردن موثر آن نیز دشوار است.

منابع

- طباطبایی امیر، حسنی پرخیده، مرتضوی حامد، طباطبایی چهر محبوبه (۱۳۹۲). راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۶۶۳-۶۷۰.
- [Assarroudi, A. et al. \(۲۰۱۸\). Directed qualitative content analysis: the description and elaboration of its underpinning methods and data analysis process. Journal of Research in Nursing, https://doi.org/10.1177/1744498718774166.](#)
- Bengtsson M. (۲۰۱۶). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *Nursing Plus Open*, ۲, ۸-۱۴.
- Burnard P. (۱۹۹۱). [A method of analyzing interview transcripts in qualitative research](#). *Nurse Education Today*, ۱۱, ۴۶۱-۴۶۶.
- Graneheim, U.H. and Lundman B. (۲۰۰۴). [Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measure to achieve trustworthiness](#). *Nurse Education Today*, ۲۴, pp. ۱۰۵-۱۱۲
- Cho, Ji. Y. & Lee E.-H. (۲۰۱۴). Reducing Confusion about Grounded Theory and Qualitative Content Analysis: Similarities and Differences. *The Qualitative Report*, ۱۹, Article ۶۴, ۱-۲۰ <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR19/cho64.pdf>.
- Luo A. (۲۰۱۹). What is content analysis and how can you use it in your research? Down loaded on ۰۴/۰۲/۲۰۲۰ from <https://www.scribbr.com/methodology/content-analysis/>
- Elo S. & Kyngas H. (۲۰۰۸). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, ۶۲(۱), ۱۰۷-۱۱۵. doi: 10.1111/j.1365-2648.2007.04569.
- Mayring, P. (۲۰۰۰). Qualitative content analysis. *Forum: Qualitative Social Research*, ۲, ۱-۲۸. Retrieved from <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/2-00/2-00mayring-e.htm>.

^۱ . Corbin & Strauss